

موانع و راهکارهای دسترسی پژوهشگران به میراث مکتوب



میراث مکتوب، سند هویتی هرکشوری است. اگر مردم کشوری بخواهند به تاریخ خود افتخار کنند، سند مهم آن میراث مکتوبی است که در طول سالها در محدوده تمدنی خاص تألیف شده است. ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم تمدنی دنیا آثار مکتوب بی نظیری را در خود جای داده است. هزاران نسخه خطی با موضوعهای مختلف و اسناد مهم در کتابخانه‌های کشور نگهداری می‌شود. اما تا چه اندازه این میراث ارزشمند به خوبی نگهداری می‌شود؟ کتابخانه‌های مهم کشور نظیر آستان قدس، ملی و... سعی دارند تا با روش‌های جدید این منابع مهم را حفظ کنند و پس از اسکن منابع مکتوب، سعی دارند تا همه منابع موجود را دیجیتال‌سازی کنند.

سؤال مهم اینجاست که این منابع چگونه در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد؟ اگر پژوهشگران این آثار مهم را به زور طبع آراسته نکنند اهمیت این میراث برای ما آشکار نخواهد شد. پس کتابخانه‌ها موظف هستند تا مسیر دسترسی را برای پژوهشگران تسهیل کنند. بسیاری از کتابخانه‌های معتبر دنیا اکنون میراث مکتوب خود را به صورت آنلاین و قابل دانلود در اختیار علاقه‌مندان قرار داده‌اند و پژوهشگران از هر جای دنیا می‌توانند به این میراث دسترسی پیدا کنند.

حجت‌الاسلام دکتر رسول جعفریان، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، سال‌هاست که در مسیر دیجیتال‌سازی منابع مکتوب، قدم‌های مهمی برداشته است. او هنگامی که ریاست کتابخانه مجلس را در اختیار داشت همه نسخه‌های این کتابخانه را در سایت کتابخانه مجلس قرار داد. اکنون نیز به عنوان رئیس کتابخانه دانشگاه تهران قدم‌های مهمی برای تسهیل مسیر دسترسی پژوهشگران به این میراث برداشته است. در این گفتگویی با ایشان به مناسبت روز بزرگداشت اسناد ملی و میراث مکتوب به موانع و راهکارهای دسترسی پژوهشگران به میراث مکتوب کشورمان پرداخته شده است.

کتاب و کتابخوانی یکی از مسائلی است که در تمدن اسلامی جایگاهی اساسی داشته است. به نظر شما این اهمیت به کتاب دچار چه تحولاتی شده است؟

آنچه که در میان عوامل مختلف، دنیای جدید را از دنیای قدیم، جدا می‌کند، تغییری است که در علم و ابزارهای انتقال علم رخ داده است. اگر «کتاب» را مهم‌ترین ابزار ذخیره علم بدانیم، می‌توانیم، ادوار تاریخ بشر را به ۳ دوره تقسیم کنیم.

مرحله اول؛ دورانی که بشر در سیر فرهنگی خود از تمدن بی‌کتاب عبور کرده و برای هزاران سال، بدون کتاب، زندگی کرده و تمدن بدون کتاب را پشت سر گذاشته است. طبیعی است که ذخیره‌سازی علم او در کتاب نبوده، بنابراین باید گفت، از یک حدی، جلوتر نرفته است. مرحله دوم؛ دورانی است که بشر به «کتاب» رسیده و از این ابزار استفاده کرده است. تاریخ نوشت افزار در میان بشر خیلی طولانی نیست و بشر در این دوره، سعی کرده است تا علم را در «کتاب» ذخیره کند. یونان از این جهت در نقطه اوج قرار دارد، اما پیش از آن هم، نوشت افزار به صورت‌های مختلف در تمدن بابلی و هندی بوده است.

تمدن اسلامی، امتداد تمدن کتاب است و در دوره تمدن اسلامی، کتاب نقش مهمی داشته است. در تمدن اسلامی که از نظر تکیه بر «کتاب» بسیار برتر از یونان بوده، کتاب نقش محوری دارد. در این تمدن همیشه از کتاب و کتابخانه یاد شده و البته یکی دو قرنی طول کشید تا اهمیت نوشتن و کتاب آشکار شد. بعد از آن، از قرن سوم، تکیه اصلی نه روی فرهنگ شفاهی بلکه روی کتاب است.

تمدن کتاب دو مرحله دارد. کتاب خطی و کتاب چاپی. ما در مرحله کتاب خطی، از یونان جلوتر رفتیم و هزاران کتاب جدید تولید کردیم؛ البته تولید کتاب به معنای تولید علم نیست، اما به هر حال، مهم است. مرحله دوم تمدن کتاب، کتاب چاپی است که ما خیلی دیر خبردار شدیم.

مرحله سوم، که به تازگی آغاز شده، تا روزگار ما، تمدن ترکیبی بین کتاب و رایانه است آنچه تا به حال اتفاق افتاده، این است که در بیشتر رشته‌های فنی و پزشکی، کتاب از مدار حذف شده یا اندکی از آن مانده است، اما در حوزه‌های علوم انسانی و دین، هنوز کتاب اهمیت دارد.

ظهور صنعت چاپ در غرب چه تأثیری در توسعه این جریان در دوره جدید داشت؟

تمدن جدید غربی با صنعت چاپ راهش را گشود. کتاب چاپی، اساس تمدن جدید را متحول کرد و این تحولی بود که ما دیر به آن رسیدیم. اینکه این دیر رسیدن چه دلیلی داشته است؟ می‌دانیم «کتاب» ابزار علم و انتقال آن است و وقتی کمتر استفاده شود، یا از نظر نوع آن، شکل‌های بد و ابتدایی آن محل توجه باشد، اثری کاملاً منفی روی رشد علم خواهد داشت. شما نگاهی به صنعت نشر و چاپ در قرن هفدهم و هجدهم غرب بیندازید و آن را مقایسه کنید با نوشته‌های خطی ما و بعدا چاپی ما، در اواخر قرن هجدهم و بیشتر قرن نوزدهم. نوع چاپ، محتوای کتاب‌ها، استفاده از آن‌ها در نظام آموزشی و در واقع استفاده از کتاب به عنوان یک ابزار برای نشر علم، تفاوت زیادی را نشان می‌دهد. غرب از ابزار چاپ به‌خوبی استفاده کرد. شرایط دیگر تولید علم هم فراهم بود و به سرعت وضع علمی و تمدنی بهتری یافت، اما ما درجا زدیم.

با ظهور رایانه در جهان مسیر جدیدی در مقابل بشر گشوده شد. به نظر شما کتاب دیجیتال توانسته در عرصه توسعه علم جایگاهی برای خود باز کند؟

مدتهاست که کاروان تمدن بشری، ابزار جدیدی را در کنار کتاب قرار داده و بدون هیچ تعجبی می‌توان گفت که به تدریج، از سهم کتاب کم شده و بر سهم رایانه افزوده می‌شود. اکنون کتاب دیجیتال نقش مهمی در تولید علم دارد، چیزی که تا سه دهه قبل بی‌معنا بود. باید پرسید، آیا کتابداران ما از نقش رایانه که سه دهه است به سرعت پیشرفت می‌کند، آگاه هستند؟ ما در آستانه تمدن بدون کتاب، یا کمتر کتاب، قرار داریم. این تحول اقتضات خاص خود را دارد. آمادگی ذهنی مهم‌ترین مسئله است. در درجه بعدی، آمادگی فنی است که آن هم بسیار مهم و نیازمند نیرو و امکانات است. اما اول آمادگی ذهنی است. ما چه اندازه در این حوزه فعال هستیم؟ آیا هنوز به روش‌های گذشته اکتفا می‌کنیم، یا وارد دنیای جدید می‌شویم؟ ورود در دنیای جدید، تخصص و هزینه‌های خاص خود را می‌طلبد که گاه ما به دلیل نداشتن آن‌ها، کوتاه آمده در کنار همان روش قدیمی می‌مانیم.

ممکن است کاری که برای چاپ نکردیم و عقب افتادیم تکرار شود. برای اینکه خطایی پیش نیاید باید تلاش کنیم. ابزار علم، نقش مهمی در پیشرفت دارد و ما متأسفانه در حاشیه قرار داریم.

آیا زمان ایجاد امواج بزرگ انتشار و مطالعه کتاب‌های الکترونیکی در کشور فرا رسیده است؟

این روزها، درخواست‌های اهل کتاب، برای دریافت فایل‌های الکترونیکی خیلی زیاد شده است. در واقع، به دلیل بسته شدن کتابخانه‌ها و نبود امکان مراجعه مستقیم از یک طرف و وقت بیشتری که اهل نوشتن در خانه برای انجام کارهای علمی می‌گذارند، نیاز به فایل‌های الکترونیکی جدی‌تر شده است. افرادی که شاید سال‌ها فرصت مطالعه نداشتند، الان می‌توانند و فرصت دارند کتاب بخوانند، ولی ممکن است این کتاب‌ها به صورت فیزیکی در اختیار آنان نباشد.

در این باره، کارهای زیادی می‌شود انجام داد از جمله: نخست اینکه دانشگاه‌ها، کتابخانه‌های خود را مکلف کنند تا به درخواست‌های دیجیتال پاسخ داده و اگر نه عمومی، به صورت فردی، کتاب‌هایی را برای استادان و دانشجویانی که درخواست آن را دارند، اسکن کرده و بفرستند. آثاری که مشکل حقوقی ندارد به صورت عمومی به اشتراک بگذارند و آثار مشکل‌دار را به صورت فردی بفرستند و به اشتراک عمومی نگذارند و به این نکته توصیه هم بکنند.

دوم اینکه وزارت ارشاد، در حوزه توزیع کتاب‌های الکترونیکی فعال‌تر شود. برای نمونه، اگر سهمی از پول برای کتاب در اختیار دارد، به جای خرید نسخ کاغذی، به خرید کتاب‌های الکترونیکی از ناشران و مؤلفان اقدام کرده و آن‌ها را برای عموم به اشتراک بگذارد. حتماً وزارت ارشاد می‌تواند کارهای دیگری هم انجام دهد.

سوم اینکه مؤسسات خیریه، وجهی را برای این کار اختصاص دهند. برای نمونه آنان می‌توانند به نویسندگان بگویند که در ازای واگذاری حق انتشار الکترونیکی کتابشان، مبلغی دریافت خواهند کرد. این مبلغ می‌تواند معادل پولی باشد که آن‌ها از یک یا دو چاپ و مثلاً حداکثر ۲ تا ۵ هزار نسخه از آن کتاب دریافت می‌کنند. پس از آن این کتاب را برای همیشه می‌توانند آزاد کنند. چهارم اینکه در پیام‌رسان‌های معمول، کانال‌هایی برای دریافت فایل‌های کتاب الکترونیکی از مؤلفان آن‌ها ایجاد شود، کسانی که دوست دارند کتاب‌هایشان بیشتر استفاده شود.

به نظر برای تمام مؤسسات فرهنگی کشور، از کوچک و بزرگ، فرصتی فراهم شده است تا بتوانند با ارسال فایل‌های الکترونیکی در هر زمینه از علوم، به اهالی دانش کمک کنند و حتی اگر درصد انتشار افکاری در حوزه علائق علمی خاص خود هستند، این فرصت را غنیمت بدانند.

آیا تلاش‌هایی که برای نظم دادن به میراث مکتوب ایرانی به صورت دیجیتالی کرده‌ایم؛ نتیجه‌بخش بوده است؟

تعداد درخور توجهی کتاب از میراث کهن ما، به شکل‌های مختلف در مراکز مختلف اسکن شده و خود مردم، آن‌ها را در کانال‌های تلگرامی گذاشته‌اند تا بقیه هم استفاده کنند، اما نه کاری فراگیر است و نه در یک جا در یک سامانه مشخص است که در زمان نیاز، بتوان به آسانی به آن دست یافت.

در بخش تاریخ و شرح حال و متون ادبی کهن از قبیل دواوین و غیره، همچنان نیازمند یک کار بزرگ و سترگ و ملی هستیم. تاریخ‌های عمومی، محلی، کتاب‌های شرح حال و تمامی متون کهن ادبی که میراث اصلی ما هستند، باید بدون فوت وقت، در یک وبسایت ملی و بزرگ، با بهترین کیفیت، برای عموم امکان ارائه داشته باشند. برخی از تصحیح‌ها مشکل حقوقی دارند که باید حل کرد.

برای مثال، آیا ما سائیتی داریم که هر آنچه درباره تخت جمشید در همه زبان‌ها نوشته شده، در آن در دسترس باشد؟ آیا سائیتی داریم که همه تواریخ محلی مشهد یا اصفهان و هر آنچه در قرون گذشته درباره این شهرها نوشته شده در آن باشد. آیا این کار به اندازه زدن یک پل یا کشیدن یک خیابان در این شهرها ارزش ندارد، در حالی که هزینه آن هزار بار کمتر از زدن یک خیابان است. در بخش نشریات تاریخ گذشته هم کار جدی نشده است. می‌شود گفت بسیاری اسکن شده، اما نرم‌افزارهای موجود همچنان در ارائه یک پارچه آن‌ها عاجز و مراکز هزینه لازم برای ارائه آن‌ها به صورت یکجا ندارند. باز هم می‌شود گفت، مراکز مختلف، حجم در خورتوجهی را اسکن کرده‌اند، اما در هاردها و سرورها بدون آنکه به صورت منظم و همراه با فهرست‌نویسی ارائه شود، مانده است، البته بخشی در خود کتابخانه‌ها اسکن شده و به صورت موردی امکان ارائه دارد. همچنان از داشتن یک سایت که بتواند همه فهرست‌های نسخ خطی را تا به امروز معرفی کند و محل نسخه را نشان دهد، محروم هستیم. سال‌ها پیش سایت «آقابزرگ» در یک اقدام در خور ستایش آغاز شد، عالی بود، اما در یک محدوده متوقف ماند. سال‌ها گذشته، اما هیچ کاری برای تکمیل آن نشده است. کار بزرگ دیگر در تجمیع فهرست نسخ خطی به وسیله بخش خصوصی انجام شده، اما متأسفانه فقط متن چاپی آن - دنا و فنا - انتشار یافت که یک هزارم کار سامانه و رایانه را نمی‌کند. و اما در ارائه اصل نسخ خطی، یعنی تصاویر خود نسخه‌ها، که میراث مهم ماست، هزار و یک مشکل دارد. به نظر من، می‌بایست واگذاری تصاویر میراث خطی هم بدون گرفتن پول باشد، اما حتی با پول، باز بهتر از انجام ندادن است. بخش مهمی از میراث مکتوب ما اسناد تاریخی است. معاونت اسنادی کتابخانه ملی، مقدار زیادی از اسناد را فهرست کرده و تصویر شماری را هم در وبسایت خود دارد. مسلماً فهرست‌نویسی قدم اول و ارائه تصاویر آن‌ها قدم بعدی و مهم و اساسی است. این کارها، بسیار سخت است. اما نشد ندارد.

منبع: شهرآرانیوز / گفتگو از: امید حسینی نژاد